



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: حسابداری مالی ترم: دوم سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹

نام درس: مبانی مدیریت سرمایه گذاری نام و نام خانوادگی مدرس: اشرف پسندیده

آدرس email مدرس: pasandideh314@gmail.com تلفن همراه مدرس: ۰۹۳۵۱۶۰۱۱۶۱

جزوه درس: فصل هشتم - تحلیل بازار مالی مربوط به هفته : سیزدهم □ چهاردهم □ پانزدهم □

text : دارد □ ندارد □ voice: دارد □ ندارد □ power point: دارد □ ندارد □

تلفن همراه مدیر گروه :

هفته پانزدهم

تحلیل بازار مالی

تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکال دو مکتب اصلی فکری در دنیای تامین مالی و بازار های بورسی و بطور کلی بازار سرمایه برای پیش بینی قیمت و روند منحنی قیمت هستند. برای بررسی تفاوت آن دو درک آنها لازم و ضروریست.

تحلیل بنیادی^۱ در بازار سرمایه یا بورس

به روشی از تحلیل گویند که بر مبنای ارزشیابی دارایی یا ارزیابی ذاتی دارایی است که بر اساس فاکتورهای مختلف اقتصادی، مالی، کمی و کیفی انجام می پذیرد. در این ارزیابی یا تحلیل تمام فاکتورهای تاثیر گذار بر ارزش دارایی، مانند فاکتورهای اقتصاد کلان و فاکتورهای مخصوص به شرکت مانند مدیریت یا وضعیت مالی شرکت، در نظر گرفته می شوند. هدف نهایی از این تحلیل و ارزیابی تعیین قیمتی است برای خریدار یا فروشنده و مقایسه آن قیمت ذاتی با قیمت حال دارایی است. بر اساس این تحلیل است که خریدار یا فروشنده تصمیم به فروش یا خرید سهام خواهد گرفت. شایان ذکر تحلیل گران بنیادی در تقابل جدی با تحلیل گرایان تکنیکال قرار دارند. تحلیل گرایان بنیادی با استفاده از داده های واقعی دارایی های مورد نظر را ارزیابی کرده و این روش ارزیابی برای تمامی دارایی ها از جمله سهام قابل استفاده می باشد. برای مثال سرمایه گذار می تواند با استفاده از داده هایی مانند نرخ بهره و وضعیت اقتصادی اوراق قرضه را نیز ارزیابی کند.

بخش قابل ملاحظه‌ای از اطلاعات بنیادی، بر اطلاعات و آمار اقتصاد ملی، صنعت و شرکت تمرکز دارد.

رویکرد معمول در تحلیل بنیادی شرکت، دربرگیرنده چهار مرحله اساسی است:

- تعیین وضعیت کلی اقتصاد کشور؛
- تعیین وضعیت صنعت؛
- تعیین وضعیت شرکت؛
- تعیین ارزش سهام شرکت.

تجزیه و تحلیل اقتصاد

وضعیت اقتصاد ملی از آن جهت مطالعه و بررسی می‌شود که مشخص شود آیا شرایط کلی برای بازار سهام مناسب است یا نه؟ آیا تورم موثر است؟ نرخ‌های بهره در حال افزایش است یا کاهش؟ آیا مصرف‌کنندگان کالاها را مصرف می‌کنند؟ تراز تجاری مطلوب است؟ عرضه پول انبساطی است یا انقباضی؟ اینها تنها بخشی از سئوالاتی است که تحلیل‌گر بنیادی برای تعیین کردن تأثیرات شرایط اقتصادی بر بازار سهام با آنها مواجه است.

تجزیه و تحلیل صنعت

وضعیت صنعتی که شرکت در آن قرار دارد، تأثیر قابل توجهی بر نحوه فعالیت شرکت دارد. اگر وضعیت صنعت مطلوب نباشد، بهترین سهام موجود در این صنعت نیز نمی‌تواند بازده مناسبی داشته‌باشد. به عبارتی دیگر، سهام ضعیف در صنعت قوی، بهتر از سهام قوی در صنعت ضعیف است.

تجزیه و تحلیل شرکت

بعد از تعیین وضعیت اقتصاد و صنعت، خود شرکت نیز باید تجزیه و تحلیل شود تا از سلامت مالی آن اطمینان حاصل گردد. این تحلیل، معمولاً از طریق بررسی صورت‌های مالی شرکت انجام می‌شود. از روی این صورت‌ها می‌توان نسبت‌های مالی سودمندی را محاسبه نمود.

تعیین ارزش سهام شرکت

در مرحله آخر و بر اساس اطلاعات مراحل سه گانه قبل سرمایه گذار، دو عامل اصلی ریسک و بازده شرکت را برای ارزشیابی قیمت سهام شرکت بدست می آورند. برای این مهم سرمایه گذاران از انواع روش های قیمت گذاری دارایی های مالی بویژه مدل CAPM استفاده می نمایند.

تحلیل تکنیکال^۱ (فنی) در بازار بورس یا بازار سرمایه

تحلیل تکنیکال به مطالعات آکادمیکی گویند که بر اساس روند منحنی و رفتار گذشته دارایی ها (سهام) انجام می پذیرد. در این روش با توجه به رفتار گذشته دارایی (سهام) و حجم معاملات در هر نقطه قیمت آینده دارایی پیش بینی می شود. در این روش از تحلیل تمرکز بیشتری بر روی روند حرکت سهام (رو به بالا یا رو به پایین) قرار می گیرد. هر چند که این روش قابلیت پیش بینی دقیق قیمت را ندارد اما برای چندین دهه است که توسط تحلیل گران بازار سرمایه مورد استفاده قرار میگیرد.

تحلیل فنی بر اساس سه فرض زیر استوار است:

- ۱- بازار تاثیر گذاری فاکتورهای مختلف را کم رنگ می کند؛
- ۲- قیمت ها طبق یک روند حرکت می کنند؛
- ۳- تاریخ تمایل به تکرار خود دارد.

۱. بازار تاثیر گذاری فاکتورهای مختلف را کم رنگ می کند.

یکی از انتقادات بزرگی که بر تحلیل فنی وارد است این است که فقط تغییرات قیمت را مورد توجه قرار می دهد و عوامل بنیادین شرکت را نادیده می گیرد. به هر حال، تحلیل فنی فرض می کند که، در هر زمان معین، یک قیمت سهام بازتاب دهنده هر چیزی - حتی عوامل بنیادین - است که بر روی شرکت تاثیر می گذارد و یا می تواند بر روی آن تاثیر بگذارد. تحلیلگران فنی معتقدند که عوامل بنیادین شرکت به همراه عوامل وسیعتر

اقتصادی و روانشناسی بازار، همگی تاثیراتشان در قیمت سهم مربوطه نهفته اند بنابراین نیازی نیست که هر یک از این عوامل را جداگانه در نظر بگیرند. با این استدلال، فقط تحلیل حرکت و تغییر قیمت باقی می ماند که این تئوری فنی محصولی از عرضه و تقاضای یک سهام خاص در بازار است.

۲. قیمت ها طبق یک روند حرکت می کنند.

در تحلیل فنی، حرکت های قیمت بر اساس یک روند صورت می گیرد. این بدان معناست که پس از آنکه یک روند تثبیت گردید، حرکت آینده قیمت محتمل تر است که در جهتی مشابه با آن روند باشد نه در خلاف آن. اغلب استراتژی های فنی خرید و فروش بر اساس این فرض استوار هستند.

۳. تاریخ تمایل به تکرار خود دارد.

یک ایده مهم دیگر در تحلیل فنی این است که تاریخ تمایل به تکرار خود - خصوصاً در مورد حرکت و تغییرات قیمت - دارد. ماهیت تکرارشونده حرکت قیمت به روانشناسی بازار نسبت داده می شود، به عبارت دیگر، فعالان بازار مایلند یک واکنش تکراری نسبت به محرک های مشابه بازار در طول زمان های مختلف داشته باشند. اگرچه اغلب این نمودارها بیش از صد سال است که مورد استفاده قرار می گیرند، ولی هنوز هم اعتقاد تحلیل گران بر این است که آنها هنوز هم مرتبط و قابل استفاده هستند، چون این نمودارها الگوهایی را نشان می دهند که اغلب تکرار شده اند و خواهند شد.

پرسش های فصل هشتم

- ۱- دو روش تحلیل بنیادی و تکنیکال را به اختصار توضیح دهید.
- ۲- فرض های اصلی تحلیل تکنیکال را نام ببرید.
- ۳- چهار مرحله اصلی تحلیل بنیادی را نامبرده و یک مورد را توضیح دهید.